

ISBN:964-8757-08-9

مهرگان آروین ۱۳۲۸-
انسان‌شناسی معرفت شناختی / آروین مهرگان
-اصفهان: نشر فردا، ۱۳۸۵
ص ۲۴۰

عنوان اصلی: انسان‌شناسی معرفت شناختی
۱- انسان‌شناسی حلقه معرفت شناسی / نقد و نظر فارسی
قرن بیستم، الف، مهرگان آروین نویسنده- ب. عنوان
PR
۱۳۸۵
کتابخانه ملی ایران

۸۲۲/۱۱

۲۹۱

۸۵۰۹۲

انسان شناسی معرفت شناختی

آروین مهرگان

اصفهان / ۱۳۸۵



نشر فردا

اصفهان - خیابان احمد آباد خیابان مهرگان

تلفن: ۲۲۵۲۶۵۰

دفتر شماره ۲ - انتهای خیابان شهید توانا،

جنب بازارچه حاج آقا شجاع تلفن: ۲۶۵۷۶۳۲

آروین مهرگان

سپیدار

ناهید حیدرنیا

مهردادبیدمشکی

سروش

فردا

سیاهان

۱۳۸۵

۲۲۰۰

انسان‌شناسی معرفت‌شناختی

آماده‌سازی متن

حروف‌نگار

صفحه‌آرا

لیتوگرافی

چاپ

صحافی

چاپ اول

شمارگان

«حق چاپ برای مؤلف محفوظ است»

فهرست مطالب

پیشگفتار	۷
فصل اول	
جادوی مشابهت، جادوی مجاورت (فریزر)	۱۳
مردم‌شناسی ذهنی	۱۶
جادو چیست؟	۲۲
تداعی میان تصورات	۲۴
اصول و مبانی جادو	۲۶
۱- جادوی مشابهت	۳۰
الف - جادوی ایجابی یا مثبت	۳۰
ب - جادوی سلبی یا منفی	۴۹
۲- جادوی مجاورت یا مُسری	۵۸
جادو و دین	۷۱
گذر از جادو به دین	۷۸
تنزل جادو به مرتبه‌ی هنر سیاه	۸۱
جادو و علم	۸۳

۸۹	منتقدین فریزر
۹۰	نقد لوی برول بر مکتب انسان‌شناسی انگلیس
۱۱۳	نقد اوانز پرچارد بر فریزر
۱۲۲	پاسخ به منتقدین فریزر
۱۴۹	نقد فریزر

فصل دوم

۱۵۵	ذهنیت پیش‌منطقی (لوی برول)
۱۵۶	مباحث نظری
۱۶۹	ذهنیتی متفاوت
۱۷۰	۱- تصورات یا بازنمایی‌های جمعی
۱۷۶	۲- عرفانی بودن محتوای بازنمایی‌های جمعی
۱۸۴	۳- ذهنیت پیش‌منطقی
۱۸۸	۴- قانون مشارکت
۱۹۵	۵- اصل تناقض
۱۹۸	۶- گذار به مرحله‌ی عالی‌تر ذهن
۲۰۵	نقد لوی برول
۲۲۷	لوی برول و رابرتسون اسمیت
۲۳۲	تحقیقات لوریا پیرامون ذهنیت مردمان عقب مانده

پیشگفتار

طبق یک سنت نه چندان موجه تاریخچه‌ی انسان‌شناسی را هم مثل اکثر علوم دیگر از یونان باستان آغاز می‌کنند و به آراء و اقوال هرودوت و آشنایی یونانیان با سایر ملل می‌پردازند و مشتاقانه مترصد آند ببینند که این ملت معیار در این مورد چه داشته است که بگویند. اما انسان‌شناسی به مثابه یک علم با معاییر و روش‌های عینی و تجربی از قرن نوزدهم به این سو به طور جدی شکل گرفت و طی دو قرن گذشته بسیار گسترش یافت و به شاخه‌های متعددی تقسیم شد که یکی از این شاخه‌ها «انسان‌شناسی معرفت‌شناختی» است. این شاخه از انسان‌شناسی به دلیل اینکه مرکز ثقل بخش مهمی از مباحث معرفت‌شناسی را از فلسفه‌ی متافیزیک به انسان‌شناسی انتقال داده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حقیقت مطلب این است که آن بخش از فلسفه متافیزیک که به مسائل معرفت‌شناسی می‌پرداخت مبنای تحلیل خود را از مفاهیم تعریف نشده و ابهام‌آلودی هم‌چون مفهوم یا صورت معقول، عقل، فاهمه، متخیله، متصوره، حس مشترک و شماری از این دست از اصطلاحات قرار می‌داد که هر چند بر هیچ بنیان قابل اطمینانی استوار نبود،

اما «باشکوه» ترین نظام‌های متافیزیکی بر بنیاد آن بنا می‌گردید. در سنت تجربه‌گرایی انگلیس سعی شد تا از این اصطلاحات تعریف تازه‌ای به‌دست داده و از این مفاهیم ابهام‌زدایی شود و در سنت رمانتیسم کوشش به عمل آمد تا مفاهیم خیال، تصور، تصویر، نماد و سایر مقولات مربوط به حس که توسط استبداد عقل متافیزیکی از حوزه معرفت بیرون رانده شده بود مجدداً به این حوزه عودت و در پرتو جدیدی توضیح داده شود و در علم زیبایی‌شناسی که در واقع علم شناخت حسی است و یکی از اهداف آن بنیاد نهادن «منطق تخیل» است - منطقی که ویکو مبشر آن بود - کوشش به عمل آمد تا این شناخت به مثابه یک مرحله‌ی تام و تمام از شناخت بشری، در کنار شناخت عقلی به رسمیت شناخته شود. این‌گونه مجاهدت‌ها که کمابیش نوعی گسست نه چندان قطعی و کامل از سنت فلسفه متافیزیک را نشان می‌دهد مرکز ثقل پژوهش خود را در بطن و متن فلسفه‌ی متافیزیک قرار داده بود. اما هنگامی که در تاریخ معرفت‌شناسی به انسان‌شناسی معرفت شناختی می‌رسیم مرکز ثقل پژوهش نه آن مقولات و مفاهیم متافیزیکی بلکه ذهن و نحوه‌ی کارکرد آن است. در این حوزه مباحث نظری پیرامون ذهنیت انسان و کارکرد آن با پژوهش‌های تجربی و عملی دوشادوش یکدیگر به پیش می‌روند و کوشش بر این است تا این ذهنیت و نحوه‌ی کارکرد آن به مثابه یک موضوع عینی و مشخص مطرح و مباحث نظری آن با استناد و تکیه به‌دست آورده‌ها و فاکت‌های عینی که عموماً از تحقیقات میدانی به‌دست آمده است به پیش برده شود و در یک کلام معرفت‌شناسی که در قلمرو فلسفه متافیزیک و مباحث بی‌سرانجام آن به بن‌بست رسیده بود مستقیماً وارد علوم تجربی و طبیعی شود. باری دامنه‌ی تحقیقات، کم‌کم از ذهن و نحوه‌ی کارکرد آن به فرآورده‌های این ذهن انجامید و کل فعالیت‌های فکری و فرهنگی این ذهنیت از آئین گرفته تا اسطوره، از رؤیا گرفته تا زبان، از آداب و رسوم گرفته تا جادو

و دین و... مورد پژوهش‌های تجربی قرار گرفت و مباحث نظری آن بر بنیاد فاکت‌های عینی و مفاهیم برخاسته از این فاکت‌ها استوار شد. حاصل این اهتمام همگانی حجم عظیمی از تحقیقات عملی و نظری است که امروز پیش‌اروی ما است. امروز دیگر روشن است که در تحلیل ذهن نه از «فقر فلسفی» مفاهیم و مقولات متافیزیکی کاری ساخته است و نه از آن نمایشنامه‌ی کمیک «صدور عقول عشره» بنابراین باید اهرم پژوهش‌های مربوط به ذهن را در جاهای دیگری قرار داد و یکی از شایسته‌ترین حوزه‌ها انسان‌شناسی معرفت‌شناختی است.

باری فریزر و لوی برول دو تن از انسان‌شناسان پراوازه‌ای هستند که در این قلمرو پیرامون ذهن و کارکرد آن نظریاتی را مطرح کرده‌اند که از جمله نظریات آغازین حوزه انسان‌شناسی معرفت‌شناختی است و پرداختن به این نظریات موضوع اصلی این رساله است. روشن است که هم دامنه‌ی مباحث انسان‌شناسی معرفت‌شناختی وسیع‌تر از آن است که در این رساله آمده و هم اشخاص و متفکرینی که در این حوزه نظریاتی ارائه داده‌اند محدود به این دو تن نیستند. مؤلف در نظر دارد در فرصتی مناسب و پس از تهیه‌ی منابع لازم نظر دو فرد شاخص دیگر این رشته یعنی ارتست کاسیرر و لوی استروس را نیز تحلیل و به این رساله بیفزاید.

خواننده تضارب آراء و چالش جدی میان نظریات فریزر و لوی برول را در همین رساله خواهد خواند و با عمق و ژرفای نظریه‌ی آنان آشنایی حاصل خواهد نمود. مسائل مربوط به این چالش به حدی ظریف و دقیق است که پرداختن به آن در این مقدمه ولو به اختصار میسر نیست و بهتر است خواننده با خواندن دقیق متن در جریان آن قرار گیرد. آشنایی با این نظریات، خواندن دقیق آن و مهم‌تر از همه شرکت در این مباحث برای فرهنگ ما که در فضای مه‌آلود مباحث و شبه مسائل بی‌سرانجام متافیزیکی غوطه‌ور است دارای

اهمیت حیاتی است. بالاخره باید در یک نقطه حلقه‌ی این طوق ملعنتی را که به گردن آویخته‌ایم بشکنیم و وارد مباحث جدی در فضای مصفای علم و مسائل علمی شویم و با شرکت جدی در این مباحث در شکل دادن به تمدنی انسانی سهمی داشته باشیم. من برای این باور نادرست که اندیشه‌ورزی موهبتی است که به «جانور بور» عطا شده است دلیلی نمی‌بینم و آن را ناشی از حس خودباختگی و حقارت و ناباوری به خویشتن می‌دانم. باید پیاموریم از این حس ناباوری به توانایی‌های خویشتن به هراس افشیم تا دلیری پیدا کنیم.

آروین مهرگان

۸۴/۳/۲۷. اصفهان